چرا رسانه های اصلاح طلب سخنان سید محمد خاتمی را تحویل نگرفتند؟

دوره ات گذشته مربی

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

اگر چرخی در مطبوعات و رسانه‌های اصلاح‌طلبان در روز چهارشنبه زده باشید، احتمالا بیشترین موضوعاتی که توجه‌تان را جلب خواهد کرد و تیتر این روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده است؛ گمانه‌زنی‌ها درباره فعالیت انتخاباتی اصولگرایان، رای مخالف نمایندگان مجلس به بودجه و لایحه عفاف و حجاب خواهد بود. در این میان جای خالی واکنش و انتشار یک اظهارنظر در میان این گزارش‌ها به چشم می‌خورد. سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات، روز دوشنبه ۲۰ آذر به مناسبت روز دانشجو و در جمع مشاوران خود، از ستیز با غرب و غرب‌ستیزی گفت: «می‌توان ضداستکبار و ضداستعمار بود، اما هویت خود را در ستیز با غرب تعریف نکرد.» و به این نکته اشاره کرد که: «حکمرانی ما ویژگی ضداستکبار و ضداستعمار بودن را در رویارویی با آمریکا و غرب می‌بیند.» اظهاراتی که البته جدید نیست و پیش از این به روش‌های مختلف از جانب دیگر چهره‌های منسوب به اصلاح‌طلبان نیز مورد اشاره قرار گرفته است. سوالی که در این میان ایجاد می‌شود این است که چرا صحبت‌های اخیر رئیس دولت اصلاحات و پدر معنوی اصلاح‌طلبان، در رسانه‌ها و مطبوعات این طیف فکری بازتاب قابل توجهی نداشته است.

چند کلامی با آقای خاتمی

اگرچه صحبت‌های خاتمی به مناسبت روز دانشجو با تاخیر یک هفته‌ای آن هم در جمع مشاوران رئیس دولت اصلاحات مطرح شده است و این نقد را مورد توجه قرار می‌دهد که چرا سخنرانی و اظهارات خاتمی در جمع دانشجویان و در سالروز دانشجو مطرح نشده است و مگر یکی از الزامات اولیه برای شخصیت‌های سیاسی، مطرح کردن صحبت‌ها در موضوعات روز و در زمان مناسب نیست اما موضوعی که شاید مهم‌تر از زمان و شنوندگان این صحبت‌ها باشد، بازتاب این صحبت‌هاست. نگاهی به رسانه‌ها و واکنش‌ها، فردای روزی که صحبت‌های خاتمی منتشر شد، نشان می‌دهد اظهارات او چندان مورد توجه اقشار مختلف جامعه قرار نگرفته است. شاید باید علت این عدم اقبال به صحبت‌های اخیر خاتمی را در آنچه گفته شد، جست‌وجو کرد. واقعیت امر این است که اگر شناخت و برآورد دقیقی از جامعه داشته باشیم، باید متوجه این موضوع شده باشیم که جامعه ایرانی و افکارعمومی اکنون چاره و راه‌حل مشکلات موجود در کشور را نه در تعامل و گسترش ارتباط و روابط با غرب، بلکه در اصلاح ایرادات و خطاهای موجود در کشور می‌دانند. درکنار این موضوع نمی‌توان نقش تجربه هشت‌ساله دولت روحانی را در تثبیت این مطالبه بی‌تاثیر دانست. براین اساس به نظر نمی‌رسد روابط و ارتباط با غرب دغدغه اصلی افکارعمومی و عامل نارضایتی آنها باشد. در وهله اول و در نگاه افکارعمومی به نظر می‌رسد، اظهارات اخیر رئیس جمهور سابق برای افکار عمومی موضوعیتی نداشته است. اما علاوه‌براین جای خالی پرداخت و مورد توجه قرار دادن اظهارات اخیر خاتمی در رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز دیده می‌شود، فردای روزی که صحبت‌های اخیر رئیس جمهور سابق توسط جبهه اصلاحات منتشر شد، خبری از تحلیل، پرداخت یا واکنش به این اظهارنظر خاتمی در میان رسانه‌های اصلاح‌طلب نبود. در شرایطی که احتمالا اولین کنش و نقد شخصیت‌ها و رسانه‌های اصولگرایی به صحبت‌های اخیر خاتمی، متوجه اظهاراتش پیرامون کنار گذاشتن دشمنی با غرب خواهد بود، رسانه‌های اصلاحات واکنشی به صحبت‌های اخیر خاتمی نشان ندادند، به نظر می‌رسد. این فاصله گرفتن از واقعیت‌های موجود در جامعه در صحبت‌های خاتمی آنقدر واضح است که رسانه‌های اصلاحات ترجیح دادند با سکوت از کنار سخنرانی اخیر خاتمی عبور کنند. علاوه‌براین حتی نخبگان و دانشجویان که خاتمی سخنرانی خود را به بهانه روز دانشجو مطرح کرده بود نیز واکنشی به این اظهارات نشان نمی‌دهند و صحبت‌های او حتی مورد توجه قشر نخبگانی جامعه نیز قرار نمی‌گیرد.

آقای خاتمی! در دهه ۷۰ نیستیم

اواخر دهه ۷۰ بود که سیدمحمد خاتمی از گفت‌وگوی تمدن‌ها صحبت و تلاش کرد روابط با غرب در مسیر دیگری حرکت کند، حتی مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز در ایران راه‌اندازی شد، یک سال بعد از اینکه سازمان ملل سال ۲۰۰۱ را سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامید. جرج بوش (پسر) رئیس جمهور وقت آمریکا پشت تریبون رفت و ایران را محور شرارت نامید و به حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی محکوم کرد. بااین حال می‌شود گفت دغدغه روز جامعه ایران و نخبگان در دهه ۷۰ نوع مواجهه، برخورد و روابط ایران با غرب بود و صحبت کردن درباره کاهش تنش‌ها موضوعیت داشت. اگرچه همین ایده نیز با شکست مواجه شد اما خاتمی در اظهارات اخیر خود این گزاره را به نحوی دیگر مطرح و تاکید می‌کند که می‌شود ضداستعمار بود اما غرب‌ستیز نبود. در این مورد باید این نکته را به رئیس دولت اصلاحات یادآوری کرد که نگاه و خواست جامعه ایرانی و نخبگان جامعه دیگر شباهت چندانی به روزهای اواخر دهه ۷۰ ندارد و با فاصله‌ای تقریبا ۲۰ ساله، شرایط ایران و بالطبع خواست جامعه ایرانی در حوزه سیاست و روابط خارجی تغییر قابل‌توجهی پیدا کرده است. بر این اساس به‌نظر نمی‌رسد که با نگاه و تحلیل جامعه ایرانی در دهه ۷۰ بتوان نظر قابل اجرایی در سال ۱۴۰۲ مطرح کرد. کمااینکه همان طرح و ایده در دهه ۷۰ نیز در عرصه اجرا خاطره خوبی در ذهن افکارعمومی به جا نگذاشته است.

حداقل متناسب وقایع روز موضع بگیرید

خاتمی البته در شرایطی از عبور ستیز با غرب و آمریکا صحبت به میان می‌آورد که جهان بعد از آغاز عملیات طوفان الاقصی، معادلات دیگری را تجربه کرده است. اگر بعد از آغاز جنگ اوکراین و حمایت‌های آمریکا از این کشور برای ادامه جنگ، فضای منفی در میان افکارعمومی جهان نسبت به آمریکا ایجاد شده بود، این فضای منفی بعد از آغاز درگیری‌ها در نواره غزه شدت بیشتری پیدا کرد. کاخ سفید علنا از حملات اسرائیل دفاع می‌کرد و صهیونیست‌ها را طرف مظلوم ماجرا در روزهای ابتدایی جنگ معرفی می‌کرد. ادامه این سیاست‌ها با وتوی آمریکا در مخالفت با بیانیه‌های شورای امنیت علیه حملات در غزه ادامه داشت. آمریکایی‌ها حتی در جریان تصویب حمایت از وقفه بشردوستانه در غزه نیز که تنها از دوطرف می‌خواست حقوق غیرنظامیان را رعایت کنند، رای ممتنع داد و در جریان جلسه اضطراری اخیر شورای امنیت که به خواست دبیرکل سازمان ملل و با هدف پایان جنایت‌های انسانی در غزه تشکیل شده بود، در مقابل ۱۳ رای موافق اعضای جلسه، قطعنامه را وتو کرد؛ وتویی که با واکنش منفی افکارعمومی در جهان همراه شد. حالا و در نگاه افکارعمومی جهان، آمریکا یکی از حامیان اصلی استعمار است که در شرایطی که اسناد قابل‌توجهی از جنایت‌های انسانی صهیونیست‌ها در نوار غزه وجود دارد نیز بدون در نظر گرفتن واکنش افکارعمومی، به حمایت آشکار از صهیونیست‌ها می‌پردازند. نارضایتی‌ها حتی به میان افکار عمومی آمریکا رسیده است. تا آنجا که نظرسنجی‌ها و اظهارات کارشناسان نشان می‌دهد این احتمال وجود دارد که رئیس جمهور فعلی کاخ سفید بعد از انتخابات بعدی ریاست جمهوری آمریکا کاخ سفید را ترک کند و به نظر می‌رسد بهایی که قرار است بایدن در جنگ غزه بپردازد، علاوه‌بر نگاه منفی افکار عمومی جهان به آمریکا، واگذاری ریاست جمهوری به رقیب جمهوریخواهش خواهد بود. در ادامه این موضع‌گیری‌ها وتوی آمریکا در ایران نیز با واکنش‌های منفی شخصیت‌های مختلف سیاسی و رسانه‌ها قرار گرفت. «شریک یک قتل عام» تیتر روزنامه سازندگی بعد از وتوی آمریکا بود. «نه به آرامش» تیتری بود که روزنامه هم‌میهن در واکنش به این اتفاق منتشر کرد. «شوق آمریکایی برای تداوم جنگ» نیز تیتر روزنامه شرق بعد از وتوی آمریکا بود. عبدالکریم سروش به این وتو واکنش منفی نشان داد و نوشت: «حکومت آمریکا (با وتوی خود) قد علم کرد و در مقابل وجدان جهانیان ایستاد و از آن مرد نامتعادل و قصاب پشتیبانی کرد و فتوا به دوام و جواز نسل‌کشی در فلسطین داد. حقیقتا جای شرمندگی است... از همه هولناک‌تر همین سیاست‌های قدرت‌های بزرگ است که چگونه اخلاق را پایمال مصالح سیاسی کرده‌اند و وجدان شان نمی‌جنبد، خفته و بلکه مرده است.» چهره‌های دیگر اصلاح‌طلب و فعالان ملی مذهبی به وتوی اخیر آمریکا واکنش منفی نشان دادند، افرادی مثل داریوش سجادی، مهدی خزعلی، حمیدرضا جلایی‌پور، ژیلا بنی‌یعقوب و میردامادی در بیانیه‌ای آمریکا را محکوم کردند و نوشتند: «این رای، با وجود اینکه بیانگر واقعیت شرم‌آور اراده قاطع آمریکا بر تداوم جنایات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی است، همچون ده‌ها مورد دیگر، از جانب جامعه سیاسی جهان دور از ذهن نبود؛ چراکه پیش‌تر نیز تمامی ۳۴ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه اسرائیل توسط ایالات‌متحده وتو گردیده و سه نمونه از وتو در همین دوماه گذشته اتفاق افتاده است. اما آیا خشم و نفرت را هم در افکار عمومی جهان دامن نزده است؟ آیا این موضع‌گیری آشکار علیه حقوق اولیه محروم‌ترین مردم جهان، ترفندهای امپریالیسم رسانه‌ای برای مغزشویی و گمراهی افکار عمومی را برملا نمی‌سازد؟ به گمان ما، دور نیست روزی که آمریکا و متحدان گوش به فرمان او- این صاحبان زر و زور اسلحه- در مقابل آگاهی یکپارچه بشریت، مستاصل و ناچار به عقب‌نشینی شوند.» محکوم کردن آمریکا به استفاده از ترفندهای امپریالیسم رسانه‌ای نشان می‌دهد مقابله ضداستعماری و ضداستکباری با غرب هنوز مورد دفاع اصلاح‌طلبان رادیکال نیز قرار دارد. در همین چهارچوب می‌توان چند نکته را ناظر به صحبت‌های اخیر خاتمی مورد توجه قرار داد؛ در وهله اول در نگاه افکارعمومی جهان این اتفاق نظر وجود دارد که غرب حامی استعمار است و این امر حتی در تجمع‌هایی که علیه جنگ در غزه برگزار می‌شود نیز نمود عینی دارد. در ایران طیف‌های مختلف سیاسی با وجود سلایق و نگاه‌های مختلفی که درباره سیاست‌های کلان جامعه دارند، آمریکا را به زورگویی و اعمال سیاست‌های خلاف انسانیت محکوم می‌کنند. سوال این است که صحبت‌های اخیر رئیس جمهور سابق را می‌توان در کجای این اتفاقات و روایت‌ها، قابل تحلیل و پذیرش دانست، آن هم در شرایطی که نه‌تنها نظام حمکرانی ایران، بلکه حتی طیف‌های سیاسی ایرانی نیز صریحا به مواضع آمریکا حمله می‌کند و جهان در مواجهه با آمریکا و مخالفت با اقدامات اخیر او متفق‌القول است. در چنین شرایطی، صحبت خاتمی از کنار گذاشتن مواضع ضداستکباری و ضداستعماری در غرب نه‌تنها متناسب با شرایط و اتفاقات روز جهان نیست، بلکه حتی می‌توان آن را در تقابل اتفاقات و مواضع افکارعمومی جهان دانست. مواضعی که حتی از جانب تندروترین شخصیت‌های اصلاح‌طلب و روشنکفران هم مطرح نمی‌شود و اصولا محل بحث نیست. در همین چهارچوب، مواضع اخیر رئیس جمهور سابق را می‌توان به حدی دور از وقایع و شرایط روز دانست که حتی چالشی برای کشمکش نظرات و ایده‌های مختلف در این حوزه نیز ایجاد نمی‌کند. درواقع شرایط سیاسی آمریکا و مواضع اخیر او در این چهارچوب آنقدر مشخص است که شبهه‌ای در موضع‌گیری و مخالفت با آن حتی در جهان نیز دیده نمی‌شود. بر این اساس حتی اگر رئیس دولت اصلاحات، صحبت‌های خود را با وقایع روز تطبیق می‌داد نیز به نظر نمی‌رسید از کنار گذاشتن مواضع ضداستعماری و ضداستکباری با غرب صحبت به میان بیاورد. انتشار اظهارات اخیر رئیس جمهور این گزاره را تقویت می‌کند که خاتمی هنوز برای تحلیل و ارائه راه‌حل در مواجهه با اتفاقات و رویدادهای روز، ایران و جامعه ایرانی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ را مدنظر قرار می‌دهد، امری که باعث شده نه‌تنها اظهارات او فاصله جدی با مواضع و صحبت‌های شخصیت‌ها و رسانه‌های منسوب به اصلاح‌طلبان داشته باشد، بلکه حتی آنقدر دور از وقایع روز جامعه باشد که رسانه‌های اصلاحات ترجیح دهند با سکوت از کنار آن رد شوند و صرفا به انتشار متن بخشی از سخنرانی اخیر رئیس دولت اصلاحات بپردازد.

چقدر مساله جامعه‌اید؟

خاتمی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: «با کمال تاسف در نظام جمهوری اسلامی انحراف ایجاد شد و به جای جمهوریت، مساله‌ای به نام ناجمهوریت شکل گرفت.» او البته در شرایطی این اظهارات را مطرح می‌کند که نگاهی به وقایع و حواشی که اخیر در جریان انتخابات جبهه اصلاحات اتفاق افتاده، نشان می‌دهد خود او برخلاف آنچه مطرح می‌کند در جریان انتخاب رئیس جبهه اصلاحات، دموکراسی را زیر پا گذاشته است. این امر از جانب اصلاح‌طلبان مطرح شد که خاتمی گفته رئیس جبهه یک زن باشد، موضوعی که با انتقاد طیف‌های اصلاح‌طلبی مواجه شد اما درنهایت جبهه اصلاحات تا آنجا که نمایندگان برخی احزاب اصلاح‌طلب حاضر در جلسه انتخاب آذر منصوری را بیش از آنکه انتخاب باشد، انتصاب خاتمی می‌دانستند و همین امر باعث ایجاد اختلافاتی در جبهه اصلاحات شد که شرح آن توسط چهره‌های حاضر در جلسه روایت شده است. نکته قابل توجه دیگر این است که میزان اهمیت افکار عمومی در اتفاقات و وقایع اخیر جبهه اصلاحات در پایین‌ترین حد خود قرار داشت و شاید اگر از طیف‌های مختلف جامعه درباره این موارد بپرسیم، از ماجرا بی‌اطلاع باشند. بر این اساس به نظر می‌رسد شاید بهتر باشد رئیس دولت اصلاحا، بخشی از این نقدها را متوجه عملکرد خود در جبهه اصلاحات بداند و به این بیندیشد که چرا فعالیت‌های سیاسی‌اش حتی درون‌بدنه اصلاحات از موضوعیت افتاده و مواضعش توسط رسانه‌های این جریان بازتاب داده نمی‌شود.

برگ برنده چین در دریا

محمدکاوه باغبادرانی
پژوهشگر دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید

در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه دریامحور به عنوان یک الگوی توسعه برنامه‌ریزی شده برای استفاده از منابع دریایی و ایجاد ارتباطات جهانی در مناطق ساحلی به‌ویژه در منطقه هند- آسیا- اقیانوس آرام جلب توجه کرده است. در این سال‌ها، دولت‌های مختلف به‌صورت فراگیر در این راستا تدابیری را اتخاذ کرده‌اند. در این یادداشت تلاش می‌شود که تجربه کشور چین به‌عنوان یک الگوی موفق در این حوزه مورد بررسی قرار بگیرد.

چین و توسعه دریامحور

توسعه دریامحور در چین به‌عنوان بخشی از پروژه «راه ابریشم دریایی» یا «راه ابریشم اقیانوسی» از سال ۲۰۱۳ آغاز شده و همچنان به‌عنوان یک استراتژی اصلی در حوزه اقتصادی و ژئوپلیتیک این کشور مطرح است. این پروژه جهت افزایش تاثیر چین در تجارت جهانی و افزایش ظرفیت حمل‌ونقل دریایی و برخی زیرساخت‌های مرتبط، ازجمله بنادر و زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، در نواحی ساحلی و دریایی این کشور اجرا می‌شود. در این پروژه، بنادر استراتژیک در سواحل چین به منظور تسهیل تجارت بین‌المللی و اتصال به زیرساخت‌های حمل‌ونقل متناسب با توسعه دریامحور ایجاد شده‌اند. این طرح شامل ساخت و گسترش شبکه راه‌آهن، جاده‌ها و زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی می‌شود تا حرکت کالاها و افراد را تسهیل کند. علاوه‌بر این، مناطق آزاد تجاری در نواحی ساحلی تاسیس شده‌اند که به سرمایه‌گذاران خارجی تسهیلات مالی و حقوق گمرکی ساده‌تر را فراهم می‌کنند. این اقدامات با هدف جلب سرمایه‌گذاری و تسهیل تجارت و تبادل فناوری انجام شده‌اند. همچنین چین همکاری‌های فراوانی با کشورهای دارای مرز دریایی آغاز کرده است. توافقنامه‌های همکاری اقتصادی، تبادل فناوری و تسهیل تجارت از مهم‌ترین اقدامات این همکاری‌ها به شمار می‌روند. چین جهت تحقق اهداف طرح جاده ابریشم دریایی اقدامات گسترده‌ای را انجام داده است. این کشور به‌طور فعال در ساخت بنادر، ایستگاه‌های راه‌آهن و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در مناطق مختلف مسیر جاده ابریشم دریایی سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها باعث بهبود تسهیلات حمل‌ونقل و تجارت بین‌المللی شده است. همچنین توسعه مناطق آزاد تجاری و ایجاد تسهیلات گمرکی از دیگر اقدامات چین برای تسهیل تجارت در این مسیر است. علاوه‌بر این، چین تلاش دارد همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، تبادل فرهنگی و ارتقای ارتباطات مردمی را توسعه دهد. این همکاری‌ها باعث ارتقای تعاملات فرهنگی و اقتصادی بین ملت‌ها شده و به تحقق اهداف جاده ابریشم دریایی کمک کرده‌اند. تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که این توسعه دریامحور در چین منجر به افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، و افزایش نقش چین در اقتصاد جهانی شده است. با این حال چالش‌هایی نظیر مسائل محیطی، اقتصادی و اجتماعی نیز وجود دارد که ممکن است طی اجرای این پروژه مطرح شوند.

چین و جهانی شدن بنادر ملی

راه ابریشم دریایی چین به ارتباط بنادر مختلف در کشورهای مختلف اطراف اقیانوس هند و اقیانوس آرام مرتبط می‌شود. چین توسعه پروژه‌های زیرساختی و پایگاه‌های دریایی در بسیاری از کشورها را در چهارچوب این ابتکار انجام داده است. برخی بنادر و پروژه‌های مهم شامل موارد زیر هستند:

بندر گوادر، پاکستان: گوادر یکی از بنادر کلیدی در راه ابریشم دریایی است و چین در اینجا پروژه‌های بندری و اقتصادی گسترده‌ای را اجرا کرده است.

بندر هامبانتوتا، سریلانکا: چین در سریلانکا پروژه بندر هامبانتوتا را توسعه داده است که به‌طور مستقیم با راه ابریشم دریایی مرتبط است.

بندر کیاوکپو، میانمار: چین در میانمار پروژه بندر عمیق کیاوکپو را راه‌اندازی کرده است که به منظور کاهش وابستگی به تنگه مالاکا برای واردات نفت و گاز به چین مطرح شده است.

بندر چابهار، ایران: چین در ایران در حاشیه راه ابریشم دریایی پروژه‌هایی اجرا کرده است، از جمله توسعه بندر چابهار که نقش اساسی در توسعه ارتباطات دریایی و تجاری دارد.

بندر خلیج فارس، عمان: عمان نیز یکی از همکاران در این طرح است و بنادر چین در خلیج فارس نقشی مهم در توسعه ارتباطات دریایی با کشورهای این منطقه ایفا می‌کنند.

این پروژه‌ها و بنادر نشان‌دهنده تلاش چین برای گسترش تاثیر و توسعه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی در مناطق مختلف جهان است.

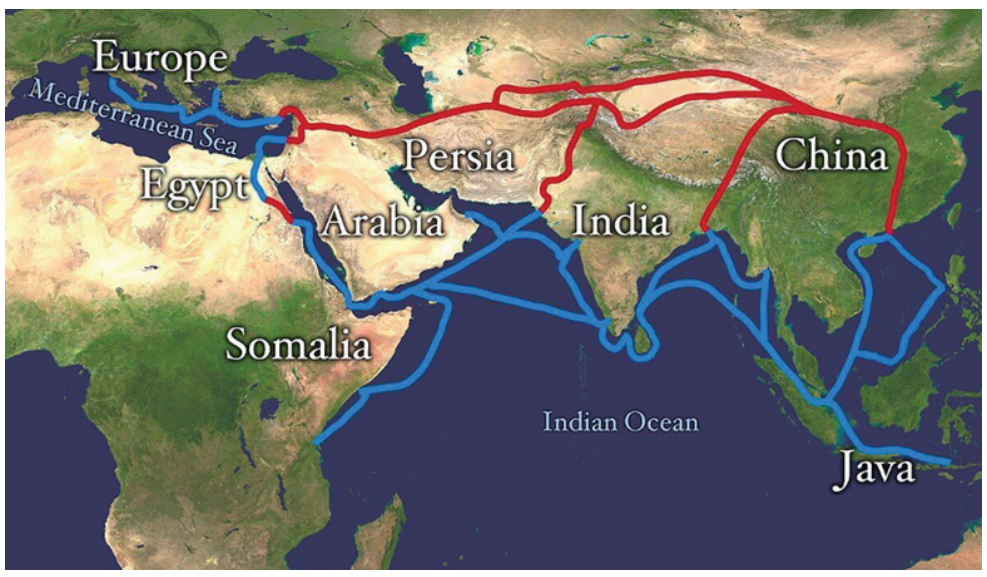

سیاست‌های پیشنهادی برای ایران

باتوجه‌به‌سیاست‌های کلی توسعه دریامحور که براساس ابلاغ‌مقام معظم رهبری صورت گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه دریامحور به‌عنوان یک استراتژی ملی، ایران را به بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌ها و منابع دریایی و اقیانوسی تشویق می‌کند. این سیاست‌ها به‌طور خاص بر افزایش حضور ایران در سواحل، فراسواحل، دریاوا قیانوس تاکید دارد و به منظور احراز جایگاه شایسته جهانی و منطقه‌ای در بهره‌گیری از دریاها اقدام می‌شود. سیاست‌های توسعه دریامحور در ایران شامل یکپارچگی در سیاستگذاری در امور دریایی، ایجاد قطب‌های توسعه در سواحل و پس‌کرانه‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تدوین طرح جامع با تاکید بر هویت ایرانی- اسلامی، بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و منابع زیست‌بوم دریایی، تامین و ارتقای سرمایه انسانی، همکاری‌های اقتصادی با کشورهای همسایه، افزایش سهم کشور در حمل‌ونقل دریایی و حمایت از سرمایه‌گذاران بومی و محلی می‌شوند. این سیاست‌ها نه‌تنها به توسعه اقتصادی دریامحور و ارتقای حضور ایران در کریدورهای بین‌المللی اشاره دارند، بلکه تاکید بر حفاظت از محیط زیست دریایی و تعامل موثر با سایر کشورها نیز جزء اهداف این راهبرد ملی است.

منابع:

Xi Jinping. (2013). "Promote People-to-People Connectivity and Common Development".
Zenglein, M. J., & Godehardt, N. (2018). "One Belt, One Road": China's strategy for a new global financial order.
Jiang, Z. (2016). "One Belt, One Road" and Free Trade Zone Development in China.
"The Maritime Silk Road and Its Implications for Sino-European Cooperation"(2020)
"China's Belt and Road Initiative: Motives, Scope, and Challenges" (2018)